



باز هم قدمی فراتر گذاشته روند فرایاز و تعالی جوی مجتمع ایمانی را دنبال می کنیم بیبینم، در مراحل بالاتر، در برابر این دو اصل چه موضعی انتخاب می کند:

گرد و خاک و مباحو و فریاد و خون و خنجر و زوبین و نیزه و شمشیر و شیشه اسبان و صدای شتران و پیروزی و شکست و فرمانبرداری و نافرمانی و فرار و ایستادگی و زخمیان و شهیدان معرکه احد همچنان طنین انداز است، جراحتهای چهره مقدس پیغمبر اسلام هنوز به چشم می خورد، جراحت قلب آن بزرگوار برای شهادت حمزه سید الشهداء و هفتاد شهید دیگر ایشان را آزار می دهد. همه اینها در نتیجه نافرمانی از دستور پیامبر اکرم و رها کردن تنگه حساس پشت جبهه مسلمین در احد، بر اثر غرور و طمع، و حمله غافلگیرانه مشترکین از پشت سر سربازان اسلام و فرار سپاهیان اسلام بود. افراد ظاهر بین انتظار نزول آیاتی مبنی بر قهر و غضب الهی و وعده عذاب را دارند. پیامبر اکرم نیز منتظر است. اما خواست و برنامه خدا چیز دیگریست. خدا هم به طبایع بشری علیم و خبیر است و هم حرکت آینده بشریت را نقش می زند. و بزرگترین مجری پیامبر بزرگوار است که اگر آیه ای بر خلاف انتظار و میل قلبی خود او هم نازل شد باید ابلاغ و اجرا کند، در حالی که او در برابر خدا تسلیم محض و فناء فی الله شده بود. ناگهان برنامه آن روز و آینده انسانیت بر رسول اکرم نازل می شود:

امر بمعروف و نهی از منکر، ضامن بقاء مجتمع ایمانی است

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...
وَلَنْتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُقْتَدِرُونَ (آل عمران / ۱۰۴-۱۰۳)

به ریسمان خدائی وحدت همگی چنگ زبند و پراکنده نشوید... و باید از میان شما امتی تشکیل شود که به خیر دعوت کند و به معروف دستور دهد و از منکر باز دارد و اینان همان رستگارانند.

در این آیه پس از دستور دادن به وحدت بر محور عقیده به الله و نظام توحیدی و به یاد آوردن وضع غیر انسانی و فاجعه آمیز گذشته و گام گذاشتن در بامداد برادری و نعمت بزرگ خدائی دلهای به هم پیوسته و تبیین آیاتش برای هدایت مومنان، وظایف امتی را ترسیم میکند که باید در زمین خلیفه خدا گردد و وارث و پیشوا شود. این وظایف عبارتند از:

- ۱- دعوت افراد خودی و دیگران بدانچه بهتر و برگزیده است.
- ۲- امر به آنچه زیبا و پسندیده و شایسته است و باید باشد.
- ۳- نهی از آنچه تشاید و زشتیها و آلودگیهای که نباید باشد.

مجتمع در حرکت پیوسته به سوی پروردگار هستند و هرگز وظایف خود را فراموش نمی کنند:

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ
الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ
بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. (توبه / ۱۱۲)

بازگشت کنندگان پرستنده ستایشگر سیاحت کننده پیوسته در حال رکوع و سجود و دستور دهنده به معروف و نهی کننده از منکر و نگهدارندگان حدود خدائی و بشارت ده مؤمنان را. در اینجا هم از جمله صفات مؤمن مجاهد به خدا پیوسته در همان جامعه ایمانی، امر به معروف و نهی از منکر هست، زیرا در هر حال بشر، بشر است با طبایع بشری و اگر نظارت مستمر و هشدار و اخطار پیوسته ای بالای سرش نباشد، به طبیعت پست و مادی خود باز می گردد. بشارت پایان آیه برای مؤمنانست که این صفات نه گانه را در خود جایگزین کرده اند و هرگز از آنها غفلت نمی کنند. دو تایی از آن صفات که در ردیف توبه و عبادت و ستایش و سیاحت و رکوع و سجود آمده، امر به معروف و نهی از منکر است.

پس از آنکه مجتمع ایمانی تشکیل شد و بخشهای مختلف آن هر یک در سر جای خود قرار گرفت: حکومت، اقتصاد، فرهنگ، سپاه، تدبیر منزل، اداره مدینه و جز اینها، دشمنان این مجتمع هم بیکار نمی نشینند، با توطئه گریها، دسیسه بازیها، تباہیها، اختلاف افکندن، سخن چینی، جاسوسی، نفاق، جنگ رویارویی، لشکر کشی و امثال این اقدامات می خواهند مجتمع ایمانی را از میان بردارند. اما آنان بر خلاف مسیر آب شنا می کنند. جریان آب همان روند تکاملی مجتمعهای انسانی است که بر طبق قوانین تغییر ناپذیر و غیر قابل توقف و نابرگشتنی سنت الله به راه خود ادامه می دهد و هر مخالف و منحرفی را در زیر چرخهای خود خرد می کند و از بین می برد. افراد این مجتمع 'ایمانی، پس از تلاشها و مجاهدتها و جهادهای درونی و بیرونی و اصغر و اکبر و فاضل و افضل دارای طبیعتی ثابت و نفوذ کرده و راسخ شده، می شوند و در برابر پروردگار فنا می گردند، جان خویش را به خدا می فروشند و بهشت می خرند. در راه خدا می جنگند و می کشتند و کشته می شوند. قانونیست خدائی که در تورات و انجیل و قرآن خدا وعده تحقق و عملی شدن آن را داده است، و چه کسی برای عملی کردن وعده خود از خدا باوفا تر می توان یافت. پیمانیتست دو جانبه، از جانب خدا ارشاد و آگاهی و رشد و به حرکت در آوردن و از جانب پنده عمل کردن بر طبق آنها و بالاخره افراد این

این چنین افرادی در واقع همان از موانع رسته ها و در مسیر حق به حرکت در آمده ها هستند.



این امت با همین آهنگ به حرکت در می آید و مراحل تکاملی و رشد و پیشرفت را طی میکند تا اینکه شایسته عنوان پرافتخار «امت برگزیده» میشود. اما این افتخار و شایستگی مطلق و غرور آفرین نیست، مشروط به شرایطی عملی و پیوسته است که تا از آن وظایف و شرایط جدا نشده اند قرین آن افتخار هستند:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ... (آل عمران / ۱۱۰)

در این آیه حالت کنونی و آینده امت را بیان میکند. امت نمونه ای که برای همه مردم و در همه زمانها و مکانها قیام کرده اند و وظیفه مستمر و مداوم آنان امر به معروف و نهی از منکر است و ایمان آوردن پیوسته و متحرک و همیشگی به خدا. ایمانی روز افزون و رو به رشد که در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر به دست می آید.



این بود تلقی قرآن از «امر به معروف و نهی از منکر» که از توصیه و پند پدران لقمان به فرزندش شروع شد و به امت برگزیده و جاویدان و پویای اسلام رسید.

نقش امر به معروف و نهی از منکر جاویدانست و هیچ مجتمعی هر چند پیشرفته و رشد یافته، از آن بی نیاز نیست.



اینک ببینیم رسول اکرم در این باره چه میفرماید:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ تَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبِرَّكَاتُ وَسَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ.

پیوسته امتم در خیر و خوبی به سر میرود تا هنگامی که به معروف امر شود و از منکر نهی گردد و به نیکی با یکدیگر همکاری کنند. پس همینکه دست از این کار کشیدند خیر و برکتها از آنان گرفته شود و برخی بر برخی دیگر مسلط و چیره شوند و هیچ یابوری نه در زمین به فریادشان رسد و نه در آسمان. پیغمبر اکرم نیز ضامن بقا و خیر و برکت مجتمع ایمانی امت خود را در این دو اصل امر به

معروف و نهی از منکر میدانند و نابودی و گرفتار ظلم خودی و بیگانه شدن و اضمحلال آنان را در دست کشیدن از این وظیفه خطیر الهی.



چون نظر امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره اخلاق محوز اصلی بحث است، نظر جامع آن امام را درباره امر به معروف و نهی از منکر نمی آوریم، زیرا از مسیر اصلی به دور می افتیم، ولی از نظر اهمیت موضوع تنها به یک جمله گهربارش درباره امر به معروف و نهی از منکر اکتفا کرده به اصل بحث که اخلاق است باز می گردیم:

«... وَ مَا أَعْمَلُ الْبِرِّ كُلَّهَا وَ الْجِهَانُفِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ الْأَكْثَفَةُ فِي بَعْرِ لَجِي...» (نهج البلاغه ح ۳۷۴)

و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چیزی جز نمی کوتاه در دریایی موج نیست.

در این بیان کوتاه، امام علیه السلام ارزشی برای امر به معروف و نهی از منکر قائل شده است که در مقام مقایسه با همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا چون دریایی طوفانیست در مقابل یک آب دهان که همراه با نفس کشیدن بیرون میریزد.

وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَأَعْلَىٰ مِنْ حَقِّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ أَنَّهُمَا لَا يُقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقِ.

و بیگمان امر به معروف و نهی از منکر هر آینه دو خلق و خوی از اخلاق خدای سبحان است و آن دو (اگر انعام گیرند نه هیچ اجل و سر رسیدی را) پیش از وقت) نزدیک میگردانند و نه روزی و رزقی را کم میکنند.

توضیح قسمت اخیر لازمست که چون این خوی خدائی بر مجتمع ایمانی حکمفرماید، آن جامعه به پایان نمی رسد و دچار اضمحلال و نابودی نمیگردد و نیز اوضاع اقتصادی آن مجتمع نیز درخشان خواهد بود، زیرا در آن مجتمع، با فرمائرواتی آنچه شایسته و بایسته است و زودن آنچه ناروا و ناشایست است، چنان نظمی به وجود می آید که در برابر حوادث زودگذر و نابه سامانهایی مالی به زانو در نمی آید. دور کن سیاست و اقتصاد این مجتمع محکمتر خواهد شد و بر عمر جامعه می افزاید و شرایط معیشتی آن را شکوفا خواهد ساخت.

اینست خلق و خوی خدائی که در عمل به اجرا در آید و افراد و مجتمع بان را به خود بگیرند و خود را خداگونه گردانند. ادامه دارد

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: پیوسته امتم در خیر و خوبی به سر می برد تا هنگامیکه به معروف امر شود و از منکر نهی گردد و به نیکی با یکدیگر همکاری کنند.

همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر بمرئوف و نهی از منکر چیزی جز نمی کوتاه در دریایی موج نیست.

بر اثر امر بمرئوف و نهی از منکر در یک مجتمع ایمانی، دو رکن سیاست و اقتصاد این مجتمع محکمتر خواهد شد و عمر جامعه فزونی گرفته، شرائط معیشتی شکوفا خواهد گشت.

نقش امر بمرئوف و نهی از منکر جاویدان است و هیچ مجتمعی هر چند پیشرفته و رشد یافته از آن بی نیاز نیست.